

حدود اختیار بورس اوراق بهادار در ابطال معاملات

رضا احمدی ترکمانی^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

چکیده

سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان نهاد ناظر بر حسن اجرای قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران می باشد که وظیفه تهیه و تدوین دستورالعملهای اجرایی این قانون نیز بر عهده آن سازمان می باشد. سازمان با تدوین بعضی از دستورالعملها اختیاراتی به بورس اعطا کرده است که اصولاً این نوع اختیارات توسط نهاد قانونگذار به مراجع قضایی یا شبه قضایی داده می شود. معاملاتی که شرایط اساسی صحت معامله را مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی دارا می باشند و طرفین معامله شرط تعلیقی برای معاملات خود در نظر نگرفته اند، با توجه به ماده ۳۰ قانون مدنی از نظر حقوقی صحیح و دارای آثار می باشند. تخلف یکی از طرفین معامله از قواعد غیر آمره، علت موجه ای برای ابطال معامله توسط بورس و تضییع حقوق طرفین دیگر معامله و اشخاص ثالث نمی باشد. بورس می تواند با استفاده از زیر ساختهای نرم افزاری و ایجاد محدودت از انجام این نوع معاملات جلوگیری کند و یا با رفتار انضباطی با شخص خاصی برخورد کند. اعطاء اختیار ابطال معاملات صحیح به بورس به عنوان یک مرجع غیر قضایی خلاف قواعد عمومی و عرف حقوقی می باشد.

واژگان کلیدی: ابطال معاملات بورس، بازار سرمایه، تایید معاملات بورس، معاملات اوراق بهادار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، گروه آموزشی مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)



مقدمه

در بازار سرمایه معاملات متعددی میان ناشر^۱ و سرمایه گذار یا کارگزاران^۲ خریدار و فروشنده ورقه بهادار^۳ محقق می گردد و ضرورتاً این معاملات مانند سایر انواع معاملات منعقد شده در بازارهای غیربورسی نیازمند احکام و ضمانت اجراهایی معین و کارآمد هستند. برخی از اقسام ضمانت اجرای بازار سرمایه خاص این بازار بوده و به وسیله مقررات مصوب هیئت مدیره سازمان بورس و شورای عالی بورس تعیین شده اند. برخی دیگر از این ضمانت اجراها از قواعد عمومی قراردادهای قابل استنتاج و بهره برداری به نظر می رسند (تقی پور و صالحی، ۱۳۹۸: ۱۷۹).

بازار اوراق بهادار بازاری مقررات گذاری شده و تحت نظارت است و نکته مهم اینکه معاملات در بورس و فرابورس منحصرأ توسط کارگزاران امکانپذیر است. این نکات باعث شده است اجرای قواعد عمومی قراردادهای در معاملات بازار سرمایه موضوع سؤال باشد. اگرچه بازار اوراق بهادار به عنوان یک بازار خودانتظام دارای نهاد مقررات گذاری مستقلی است که ابعاد مختلف معاملاتی آن را تعیین می نماید و تشریفات و آثار قراردادهای را به صورت مجزا مورد تبیین قرار می دهد، اما خود انتظام بودن این بازار به معنای تمایز بنیادین میان معاملات مالی نوین و معاملات سنتی نبوده و بسیاری از قواعد حاکم بر قراردادهای سنتی در بازار سرمایه قابل اعمال است (تقی پور و صالحی، ۱۳۹۸: ۱۹۶). بعضی از مقررات تدوین شده در بازار سرمایه به نظر با قوانین بالادستی در تعارض می باشند و اختیاراتی بیش از آنچه که مورد نظر مقنن بوده است، توسط شورای عالی بورس و هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار در اختیار اشخاص خاصی گذارده شده است. اصولاً نهادهای یاد شده امکان قانونگذاری ندارند و بدیهی است در قیاس با مصوبات نهاد رسمی قانونگذار، مصوبات این نهادها توان مقابله ندارند. در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی به بررسی موضوع ابطال معاملات در بورس اوراق بهادار و تعارضات این موضوع با قوانین جاری کشور در خصوص عقود و معاملات پرداخته می شود.

^۱ شخص حقوقی است که اوراق بهادار را به نام خود منتشر می کند.

^۲ شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آنها معامله می کند.

^۳ هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد. شورا، اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام خواهد کرد.



۱- تعریف عقد

ماده ۱۸۳ قانون مدنی عقد را بدین عبارت تعریف می کند: «عقد عبارتست از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد». در این تعریف هر عقد دو شرط اساسی دارد: (۱) در اثر توافق دو یا چند اراده به وجود می آید (۲) نتیجه و منظور از توافق ایجاد تعهد است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۳۰) به این تعریف قانونی انتقاداتی وارد است، فقط عقود مجانی را در بر میگیرد و شامل عقود معوض نمی شود. (توکلی، ۱۴۰۰: ۲۲۴). در تعریف حقوقی عقد می توان گفت «ترازی دو یا چند اراده جهت ایجاد اثر حقوقی» (توکلی، ۱۴۰۰: ۲۲۵). نفوذ اعمال حقوقی منوط بر این است که با مانع نظم عمومی روبرو نشود و به مصالح اجتماعی صدمه نزند. این مانع که وسیله بازرسی اعمال حقوقی و لجام زدن بر خودخواهی های فردی است، امروز چندان وسیع شده که چهره استثنایی آن کمتر نمودار است. به همین جهت بعضی همگامی عمل حقوقی با مصالح اجتماعی را شرط اعتبار آن می دانند. این گفته در مورد ایقاع درست است، چرا که نفوذ اراده یک شخص در روابط اجتماعی نیاز به اذن قانونگذار و شناسایی اختیار ویژه ای برای او دارد. ولی در مورد عقد، باید توجه داشت که با همه محدودیتهای گوناگون اجتماعی، هنوز اصل آزادی قراردادی محترم است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۳). معاملات اوراق بهادار در بازار سرمایه از طریق سامانه معاملاتی^۱ و توسط کارگزاران عضو بورس انجام می شود. طرفین معامله در غالب مواقع یکدیگر را نمی شناسند. لذا با اطمینان به سازوکار بورس و اصول کلی حاکم بر قراردادها اقدام به انعقاد عقد از طریق سامانه معاملاتی و انجام معامله می کنند.

۲- اصول کلی حاکم بر معاملات

اصول حاکم بر قراردادها اصولی است که نه صرفا بربیک عقد خاص بلکه بر عقود مختلف حکومت می کند. بعضی از این اصول عبارتند از:

(۱) اصل آزادی قراردادی (ماده ۱۰ قانون مدنی): توافق اشخاص برای انعقاد عقود محدود به قالبهای پیش ساخته عقود معین نیست و هر ترازی برای ایجاد اثر حقوقی، صرف نظر از قالبهای عقود معین مندرج در قانون، صحیح است، مگر آنکه آن توافق خلاف قوانین آمره، نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد.

^۱ سیستم رایانه‌ای است که دریافت سفارش‌های خرید و فروش، تطبیق سفارش‌ها و در نهایت انجام معاملات از طریق آن انجام می‌شود.



(۲) اصل لزوم: که از آن به اصله للزوم نیز تعبیر می شود، به این معنا است که عقود لازم و غیر قابل فسخ هستند، مگر اینکه خلاف آن در قانون تصریح شده باشد. برخی از حقوقدانان ماده ۲۱۹ قانون مدنی را بیانگر اصل لزوم عقود می دانند.

(۳) اصل الزام آور بودن (لازم الاتباع بودن) عقود: کلیه عقود چه لازم چه جایز تا وقتی که به دلیلی از دلایل قانونی منحل نشده اند، بین طرفین لازم الاتباع می باشند و طرفین باید مفاد آنها را انجام دهند.

(۴) اصل صحت: که از آن به اصله الصحه نیز تعبیر می شود به این معنا است که اگر در صحت یا بطلان قراردادی دچار شک و تردید شدیم باید اصل را بر صحت آن بگذاریم و قرارداد را به گونه ای تفسیر کنیم که منتهی به صحت شود.

(۵) اصل نسبی بودن عقود: حقوق و تکالیف هر عقدی فقط دامنگیر طرفین آن عقد و قائم مقام ایشان می شود. به عبارت دیگر، آثار مستقیم عقد متوجه طرفین همان عقد است و روابط حقوقی که به واسطه عقود حاصل می شوند فقط طرفین عقد را متعهد و ملزم می کند و به اشخاص ثالث سرایت نمی کند. (ماده ۱۹۶ قانون مدنی)

(۶) اصل قابل استناد بودن قراردادها: اگرچه کلیه عقود طبق اصل نسبی بودن فقط طرفین را ملزم و متعهد می کنند، اما آثار غیر مستقیم عقد متوجه دیگران نیز می باشد و وضعیت حقوقی جدیدی که به واسطه یک عقد پدید می آید، در برابر همگان قابل استناد است. به عبارت دیگر همگان باید این وضعیت حقوقی جدید را به رسمیت بشناسند (توکلی، ۱۴۰۰: ۳۶۴).

۳- شرایط اساسی صحت معامله

قانونگذار در ماده ۱۹۰ قانون مدنی برای صحت هر معامله ای چهار شرط در نظر گرفته است که عبارتند از قصد طرفین و رضای آنها، اهلیت طرفین، موضوع معین که مورد معامله باشد و مشروعیت جهت معامله. جوهر عقد توافقی است که به منظور ایجاد اثر حقوقی، بین دو یا چند شخص انجام می شود و رکن اساسی آن اراده کسانی است که به رضای خویش عهده دار امری می گردند. اهلیت طرفین در بیشتر موارد فقط شرط سلامت و نفوذ اراده است و داشتن موضوع نیز به گونه ای که در قانون مدنی (ماده ۲۱۴) آمده است از شرایط صحت تعهد است. زیرا از هر عقد ممکن است تعهدهای گوناگون ناشی شود و هر تعهد نیز به ناچار باید موضوع معین و مشروعی



داشته باشد. مشروعیت جهت معامله نیز وسیله سازگار کردن قراردادهای خصوصی با اخلاق حسنه و نظم عمومی است نه از ارکان عقد. به بیان دیگر نامشروع بودن جهت معامله مانع از نفوذ حقوقی تراضی است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۵۳). تعهدات حاصل از قراردادی با الزامات خارج از قرارداد تفاوت دارند. تعهدات قراردادی یا الزامات ناشی از قرارداد تعهداتی هستند که ریشه در قرارداد دارند و نقض آنها مسئولیت قراردادی مبنی بر جبران خسارت ایجاد می کند. الزامات خارج از قرارداد الزاماتی است که ریشه در قرارداد ندارد؛ بلکه ناشی از قانون و رفتار انسان متعارف و معقول است و نقض این الزامات باعث مسئولیت مدنی به معنای اخص (ضمان قهری) می شود (توکلی، ۱۴۰۰: ۳۶۷).

۴- محدودیت های قانونی

در اثر دخالت روز افزون دولت در امر اقتصاد و حمل و نقل، مفهوم نظم عمومی گسترش قراردادهای رو به فزونی می رود و قوانین، و حتی تصویب نامه ها و آیین نامه ها، قلمرو حکومت اراده را محدود می سازد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۶۰). همان گونه که بین مقامات عمومی سلسله مراتبی وجود دارد، بین اعمال حقوقی آنها نیز سلسله مراتب وجود دارد؛ به این ترتیب که مصوبات مقامات مادون نمی تواند مخالف مصوبات مقام بالاتر باشد. در کشور ما مانند همه کشورها قانون اساسی برتر از تمام قوانین است؛ زیرا قوه موسس کشور بالاترین مقام سیاسی هر کشور است. پس از قانون اساسی، از نظر سلسله مراتب، قوانین مصوب مجلس مقننه برتر از نظامات و تصمیمات مقام قوه مجریه اند؛ زیرا مطابق قانون اساسی، مقامات قوه مجریه تحت نظارت قوه مقننه قرار دارند و از این رو آئین نامه ها و مصوبات قوه مجریه نمی تواند ناقض قوانین مصوب مجلس مقننه باشد (زرشگی، ۱۳۹۵: ۶). برخی دخالت‌های مقرراتی و نظارتی بر پایه حمایت از مشتریان و سرمایه گذاران و در مجموع کل ذینفعان در بخش مالی از تقلب، دستکاری و سوءاستفاده های دیگر بوده است. به عنوان مثال، با سالم و امن ساختن بازارهای مالی مردم ممکن است که برای قراردادن منابع خود در بازارهای مالی تمایل بیشتری نسبت به سایر گزینه های ممکن داشته باشند (باغستانی میبیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴). قانع کردن شهروندان نسبت به امن بودن بازار مالی، حساس و مهم است، به طوریکه بهبودی رکود بستگی به عملکرد بازار مالی و پایان رفتار تحریمی از سوی خانوارها خواهد داشت (Barath & Caprio, 2006). ماده ۳۰ قانون مدنی می گوید «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع را دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.» ماده ۳۰ قانون مدنی نشان از قدرت اراده در انجام معاملات می باشد و در صورتیکه این اراده بر خلاف قوانین امری، اخلاق حسنه و منافع عمومی نباشد دارای نفوذ و تقدم می باشد. صلاحیت دادگاه در



رسیدگی به امر بخصوص، متضمن این معناست که قانونگذار آن دادگاه را شایسته رسیدگی به امر مزبور و تمیز حق دار از بی حق و اعلام آن به موجب رای و علی الاصول، دستور اجرا آن، تشخیص داده است. بنابراین صلاحیت از حیث مفهوم، عبارت از تکلیف و حق است که مراجع قضایی (قضای یا اداری) در رسیدگی به دعاوی، شکایات و امور بخصوص به حکم قانون دارا می باشند (صابر و میرزایی منفرد، ۱۳۹۹: ۱۹)

۵- معامله قابل ابطال

به حکم وضعی یک قرارداد، وضعیت حقوقی قرارداد می گویند. قرارداد ممکن است مشمول یکی از سه حکم صحت، بطلان و عدم نفوذ باشد. هرچند بعضی حقوقدانها قرارداد غیرنافذ را از اقسام قراردادهای صحیح شمرده، حکم وضعی قراردادها را به دو قسم صحیح و باطل تقسیم کرده اند (شهیدی، ۱۳۷۹: ۲۱). تقسیم بندی اخیر برگرفته از فقیهان است که عقد غیر نافذ را جزء معاملات صحیح می شناسند. قرارداد صحیح یا نافذ به قراردادی گفته می شود که داری تمام شرایط اساسی صحت معاملات باشد (ماده ۱۹۰ قانون مدنی). در مورد عقود معین علاوه بر داشتن شرایط عمومی، باید شرایط اختصاصی عقد نیز موجود باشد. البته برای صحیح دانستن قرارداد لازم نیست که آثار آن نیز در پی انشاء ایجاد شود. چنان که در عقود معلق، تاثیر عقد منوط به حصول معلق علیه است (ماده ۱۸۹ قانون مدنی). قرارداد باطل به قراردادی گفته می شود که وجود و عدم آن یکسان بوده، هیچ اثری نداشته باشد و در آینده نیز تاثیری ندارد. علت آوردن قید اخیر بدان جهت است که مثلا قرارداد غیرنافذ تا زمان تنفیذ اثری ندارد، ولی پس از آن موثر است و لذا قرارداد غیر نافذ علیرغم نداشتن اثر، باطل تلقی نمی شود. به عقد باطل فاسد هم گفته می شود. مثلا ماده ۳۶۵ قانون مدنی از عقد باطل به فاسد تعبیر کرده و مقرر داشته «بیع فاسد اثری در تملک ندارد.» (طالب احمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

در تعریف عدم قابلیت استناد بطلان یا بی اعتباری باید گفت که وضعیتی است که در آن عنصر حقوقی نسبت به شخص یا اشخاص مستقیم خود باطل و بی اعتبار بوده و هیچ اثری ندارد در حالیکه در نگاه اشخاص ثالث همچون عنصر حقوقی صحیح، معتبر و واجد اثر است. علت برقراری چنین وضعیتی بدین جهت است که از سویی بطلان اثری نسبت به همگان دارد و نه تنها اشخاص مستقیم خود بلکه اشخاص ثالث را نیز تحت تاثیر قرار می دهد در حالیکه از سوی دیگر شدت اثر مذکور در تمام موارد عادلانه به نظر نمی رسد و موجب نگرانی اشخاص ثالث می گردد. از این رو قانون گذار در مواردی آثار بطلان را محدود نموده است (Bastian, 1929: 281) به این ترتیب باید



عدم قابلیت استناد بطلان یا بی اعتباری را وضعیتی استثنایی و خلاف قواعد عمومی است. (Gaillard, 1985: 90) معامله قابل ابطال معامله صحیحی است که شخصی می تواند آن را ابطال نماید، مانند مواد ۱۳۱ ل.ا.ق.ت و ۱۷۹ قانون دریایی. در این خصوص باید توجه داشت که تفاوت عقد قابل ابطال با و عقد قابل فسخ در این است که در صورت ابطال قرارداد، قرارداد از روز نخست بی اثر می شود، به عبارت دیگر ابطال اثر قهقرایی دارد؛ در حالیکه اثر فسخ ناظر به آینده است و آثار گذشته عقد را بر هم نمی زند. تفاوت عقد قابل ابطال با عقد باطل در این است که عقد قابل ابطال تا قبل از ابطال صحیح است و آثار خود را بر جای می گذارد و اگر شخص ذینفع از درخواست ابطال آن صرف نظر کند همچنان به قوت خود باقی می ماند؛ اما عقد باطل به کلی بلا اثر است (توکلی، ۱۴۰۰: ۲۲۹).

۵-۱- قراردادهای قابل ابطال در حقوق انگلیس و فرانسه

در حقوق انگلیس، قراردادهای بر اساس اثر حقوقی آنها به قرارداد صحیح، قرارداد باطل، قرارداد قابل ابطال، قرارداد غیر قانونی و قرارداد غیر قابل اجرا تقسیم می شود (Atiyah, 1969: 26). بعضی از نویسندگان قرارداد را از جهت عدم تاثیر به قرارداد باطل، غیر قانونی، قابل ابطال و غیر قابل اجرا تقسیم کرده اند (Beatson & Burrows, 2010: 21). در حقوق انگلیس، قرارداد قابل ابطال قراردادی است که در ظاهر معتبر به نظر می رسد اما یک طرف یا هر دو طرف قرارداد می توانند آن را ابطال کنند و یا دادگاه آن را کنار بگذارد (Walker, 1980: 1280). قرارداد قابل ابطال به دو معنا به کار رفته است: (۱) قراردادهایی که از بدو انعقاد، معتبر شناخته می شوند و می توانند آثار حقوقی یک قرارداد صحیح را داشته باشند اما یک طرف قرارداد و در موارد شاذ دو طرف قرارداد می توانند یا قرارداد را ابطال نمایند و یا آن را مورد تأیید قرار دهند و به آثار قرارداد پایبند بمانند (Beatson Burrows and Cartwright, 2010: 22). قراردادهای قابل ابطال به طور معمول، از سوی یکی از طرفین قرارداد قابل ابطال است، اما در موارد نادری ممکن است قرارداد توسط دو طرف قابل ابطال باشد؛ برای نمونه، در صورتی که هر یک از طرفین اقدام به فریب طرف دیگر نموده باشد یا دو طرف در هنگام انعقاد قرارداد مست باشند، قرارداد از سوی هر دو قابل ابطال است (Chitty, 2004: 47). (۲) قراردادهایی که پس از انعقاد برای هیچ یک از طرفین ایجاد التزام نمی نماید مگر اینکه قرارداد از سوی ذینفع مورد تنفیذ واقع شود. قراردادهای قابل ابطال در معنای دوم، کاربرد کمتری دارند و به طور معمول، در ضمن بحث از معاملات صغار مورد بررسی قرار می گیرند. برخی از نویسندگان استعمال واژه قابل ابطال را در معنای دوم گمراه کننده دانسته اند و معتقدند قراردادهای قابل ابطال در معنای حقیقی خود تنها معنای نخست را در بر می گیرد.



(Treitel, 1991: 492). با دقت در آثار نویسندگان انگلیسی، ملاحظه می‌گردد که در تعریف قراردادهای قابل ابطال، بر معتبر بودن این قبیل قراردادهای تأکید شده است (Atiyah, 1969: 27). در حقوق انگلیس، قراردادهای اشخاص فاقد اهلیت شامل قراردادهای بیماران روانی، قراردادهای اشخاص مست و مصرف‌کنندگان مواد مخدر و چهار دسته از قراردادهای صغار (یعنی قراردادهای مربوط به املاک، قرارداد تحصیل سهام، قراردادهای مشارکت و توافقیهای مالی مربوط به ازدواج)؛ قراردادهایی که تحت تأثیر اکراه یا اعمال فشار ناروا یا توصیف خلاف واقع منعقد می‌گردند و بالاخره، قراردادهای مصرح در برخی از قوانین خاص، در زمره قراردادهای قابل ابطال محسوب می‌گردند (انصاری پور و سوهانی، ۱۳۹۹: ۴۸).

در حقوق فرانسه بطلان به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهی تخلف از شرایط صحت قراردادها محسوب می‌گردد؛ ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی فرانسه در این خصوص مقرر می‌دارد: «قراردادی که دربردارنده شرایط لازم برای صحت قرارداد نباشد، باطل است...». به طور سنتی در حقوق فرانسه بطلان به دو قسم بطلان مطلق و بطلان نسبی تقسیم می‌گردد. مطابق معیار سنتی بطلان مطلق و نسبی را بر اساس ساختار قرارداد یا ماهیت آن متمایز می‌نمودند. به عبارت دیگر، در جایی که قرارداد فاقد مورد یا سبب و یا مورد و سبب آن غیر قانونی بود بطلان مطلق بود. در مقابل، اگر شرایط اساسی قرارداد موجود بود اما قرارداد با اشتباه یا اکراه یا تدلیس یا عدم اهلیت معیوب شده بود، بطلان از نوع نسبی بود. (Nicholas, 1992: 77) مطابق معیار نوین اگر قرارداد در تعارض با منافع عمومی باشد بطلان از نوع مطلق و اگر در تعارض با منافع اشخاص باشد بطلان از نوع نسبی است (Terré, Simler et Lequette, 2009: ۱۰۷).

تا پیش از اصلاح قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶ میلادی، این تفکیک، به طور صریح در قانون مدنی فرانسه مورد اشاره قرار نگرفته بود، تنها، در برخی از مواد پراکنده، از ضمانت اجرای بطلان آن هم بدون قید مطلق یا نسبی بودن آن سخن به میان آمده بود. همین امر، دشواریهایی را در مقام تشخیص نوع بطلان بوجود آورده بود، اما با اصلاح قانون مدنی فرانسه، هر دو اصطلاح صریحاً در قانون مدنی فرانسه به کار گرفته شد (انصاری پور و سوهانی، ۱۳۹۹: ۴۹).

۵-۲- قراردادهای قابل ابطال در حقوق ایران

در خصوص بطلان عملیات شرکت یا اقدامات ارکان شرکت مواد مختلف قانونی وجود دارد. در این میان ماده ۱۹۸ قانون تجارت، به عنوان ضمانت اجرای مواد ۱۹۶ و ۱۹۷، ضمن باطل اعلام نمودن عملیات شرکت، بطلان را علیه اشخاص ثالث غیر قابل استناد معرفی می‌کند. همچنین ماده ۲۷۰



ل.ا.ق.ت در باره شرکتهای سهامی تخلف از مقررات قانونی مربوط به عملیات شرکت یا تصمیمات آن را باطل نسبی و بطلان مذکور را علیه اشخاص ثالث غیر قابل استناد دانسته است (رباطی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۶). با توجه به ماده ۳۰ قانون مدنی که می گوید «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع را دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.» در بعضی از قوانین قانون گذار به اشخاص متفاوتی غیر از طرفین معامله این امکان را داده است که با توجه به شرایط خاصی اختیار ابطال یک عقد صحیح نافذ را داشته باشند که ذیلا به بعضی آنها پرداخته می شود:

ماده ۱۳۱ قانون تجارت: ماده ۱۲۹ قانون تجارت بیان می دارد؛ اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکتهائی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آنرا به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت. ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات مذکور در ماده ۱۳۱ قانون تجارت پیش بینی شده است. به موجب این ماده در صورتیکه معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتیکه معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده بدعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد. در صورتیکه معامله انجام شده بدون اجازه هیات مدیره انجام گرفته باشد، ولی مجمع عمومی آن را تصویب کند، طبق قسمت اول ماده ۱۳۱ معتبر خواهد بود؛ ولی در حالتی که معامله بدون اجازه هیات مدیره



انجام گرفته و مجمع عادی صاحبان سهام هم آن را تصویب نکند، معاملات قابل ابطال خواهند بود. بدیهی است قابل ابطال بودن این معاملات صحت آنها را مخدوش نمی سازد و اگر ظرف مواعد مقرر در ماده ۱۳۱ درخواست ابطال از دادگاه انجام نگیرد، معاملات کماکان صحیح هستند و دیگر قابل ابطال نخواهند بود (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۱). ابطال یا تغییر قرارداد نجات دریایی: به موجب ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران که با تغییراتی از ماده ۷ «معاهده یکنواخت سازی برخی قواعد حقوقی مربوط به کمک و نجات در دریا» مصوب ۱۹۱۰ م در بروکسل اقتباس شده است «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هریک از طرفین به وسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود. در کلیه موارد چنانچه ثابت شود رضایت یکی از طرفین قرارداد بر اثر حيله یا خدعه یا اغفال جلب شده است و یا اجرت مذکور در قرارداد به نسبت خدمت انجام یافته، فوق العاده زیاد و یا کم است، دادگاه می تواند به تقاضای یکی از طرفین، قرارداد را تغییر داده و یا بطلان آن را اعلام نماید». ماده ۷ قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی نجات دریایی مصوب ۱۳۷۳ نیز بیان می دارد: قرارداد یا هریک از شرایط مندرج در آن را می توان ابطال یا اصلاح نمود (اگر: الف) قرارداد تحت فشار ناروا یا تحت تأثیر خطر منعقد شده و شرایط آن غیرمنصفانه باشد. ب) پرداخت بر اساس قرارداد برای خدماتی که عملاً عرضه شده، بیش از اندازه زیاد بوده یا بسیار اندک باشد (ابوعطا، ۱۳۹۴: ۵۲۷). ظاهراً دو اختیار برای مدعی وجود دارد و آن عبارت است از درخواست ابطال قرارداد یا هر کدام از شروط آن که البته بعضی از نویسندگان حقوق دریایی، از آن با عنوانی دیگر یاد کرده اند. (Baughen, 2001:295) ابطال در اصطلاح حقوقی در معنای الغا کردن یا باطل کردن به کار می رود نه اعلام بطلان قبلی قرارداد (Blacks, 2004, :100). به عبارت دیگر، حکم دادگاه در این زمینه جنبه تأسیسی دارد.

۵-۳- عدم قطعیت معاملات یا قابلیت ابطال معاملات بورس

بند سوم از ماده یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران بورس اوراق بهادار را اینگونه تعریف می کند «بازاری متشکل و خودانتظام است که اوراق بهادار در آن توسط کارگزاران و یا معامله گران طبق مقررات این قانون، مورد داد و ستد قرار می گیرد. بورس اوراق بهادار در قالب شرکت سهامی عام تأسیس و اداره می شود.» در بند شش نیز اقدام به تعریف تشکل خود انتظام کرده است «تشکلی است که برای حسن انجام وظایفی که به موجب این قانون بر عهده دارد و همچنین برای تنظیم فعالیتهای حرفه‌ای خود و انتظام بخشیدن به روابط بین اعضاء، مجاز است ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای و انضباطی را که لازم می داند، با رعایت این قانون، وضع و اجراء



کند. « در حالیکه در ماده بیست و نه دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران بیان می کند « تمامی معاملات اوراق بهادار در بورس، در صورتی قطعیت می یابد که به تأیید بورس برسد.» این در حالی است که اصل آزادی قراردادها و ماده ۱۰ قانون مدنی اعلام می دارد «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتیکه مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.»

قانون تعریف مشخصی دارد و ناشی از قوه مقننه است و شرایط تصویب آن را قانون اساسی معین می کند. قانون حاکم بر تمام مردم و سازمان‌های دولتی است و اگر برطبق تشریفات مقرر در قانون اساسی تصویب و امضا شود، هیچ مرجعی حق الغای آن را ندارد و فقط قوه مقننه می تواند با وضع قانون دیگری، به طور صریح یا ضمنی، آن را نسخ کند. ولی اعتبار تصمیم های قوه مجریه محدود به مفاد قوانین است و در صورتی اعتبار دارد که مخالف مصوبات مجلس نباشد. در این صورت، نه تنها دادگاه ها باید از اجرای این گونه تصمیم ها خودداری کنند(اصل ۱۷۰ قانون اساسی)، هر ذینفع نیز حق دارد از دیوان عدالت اداری ابطال آنها را بخواهد. قاعدتا یک دستورالعمل مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار جایگاه قانون را نخواهد داشت. ماده بیست و نه دستورالعمل را در قالب شروط بنایی نیز نمی توان قرار داد. به این دلیل که اصولا در بازار سرمایه طرفین با یکدیگر مستقیما مذاکراتی به انجام نمی رسانند تا در قالب شروط قبل از قرارداد بتوان این ماده را لحاظ کرد. در قالب ماده ۳۴۴ قانون مدنی^۱ نیز نمی گنجند زیرا بورس عمر طولانی در کشور ندارد که بتوان بعضی از شروط را در قالب عرف و عادت قرار داد. از شروط صحت معامله نیز نمی توان در نظر گرفت. ماده ۱۹۰ قانون مدنی صراحتا اقدام به اعلام شرایط اساسی صحت هر معامله ای نموده است. بورس در این خصوص به عنوان ثالث دارنده حق فسخ نیز نمی باشد. البته سازمان بورس و اوراق بهادار در ماده سی دستورالعمل اقدام به تخصیص ماده بیست و نه کرده است.

۵-۴- ابطال معاملات در بورس در امریکا

در قانون اوراق بهادار امریکا مصوب ۱۹۳۳ در زمینه معاملات بازار سرمایه ضمانت اجرایی به چشم می خورد که نشانگر اتخاذ تصمیم این قانون در جهت اداره معاملات در ابعاد مختلف است. یکی از این ضمانت اجراها ابطال معاملات است که برخلاف قانون ایران ضمانت اجرای مستقیم این

^۱ اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تادیه قیمت موعدی معین نگشته باشد بیع قطعی و ثمن حال محسوب است مگر اینکه بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارتنی وجود شرطی یا موعدی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع ذکر شده باشد.



بازار تلقی می شود. طبق بخش A12 از قانون اوراق بهادار در صورتی که عرضه اولیه بودن ثبت نزد SEC صورت گرفته باشد یا ناشر در اعلامیه پذیره نویسی اطلاعات نادرست به سرمایه گذار ارائه نموده باشد یا از درج اطلاعات مهم قانونی در اعلامیه خودداری کرده باشد، هر خریدار می تواند ابطال معامله را از دادگاه درخواست کند و قیمت پرداخت شده و بهره آن را از ناشر مسترد دارد، مشروط بر اینکه در زمان اقامه دعوی ابطال، اوراق بهادار در تملک او بوده و آن را به دیگری منتقل نکرده باشد. در صورت انتقال تنها می تواند دعوی مسئولیت مدنی علیه ناشر اقامه کند. از سویی دیگر طبق بند n ماده ۲۹ قانون مذکور، هر قراردادی که برخلاف مقررات این قانون یا هر یک از قواعد و آیین نامه هایی که براساس آن تصویب شد منعقد شود یا اجرای آن مستلزم تخلف از مقررات قانون یا قواعد و آیین نامه های آن باشد، نسبت به شخصی که با تخلف از مقررات قرارداد را منعقد یا اجرا کرده است، باطل است. چنانچه شخص ثالث بر اساس چنین قراردادی حقی تحصیل کرده باشد بطلان قرارداد در مقابل او قابل استناد نیست، مگر اینکه ثالث از مغایرت انعقاد یا اجرای با مقررات فوق مطلع باشد. (انصاری و صفدری، ۱۳۹۱: ۲۱۱)

۵-۵- ابطال معاملات در بورس

ماده سی از دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران بیان می کند: مدیرعامل بورس صرفاً در شرایط بندهای ذیل الذکر، می تواند بخشی از معاملات اوراق بهادار را حداکثر تا پایان روز برگزاری جلسه معاملاتی تأیید ننماید. ماده دو دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران به تعریف جلسه معاملاتی پرداخته است و بیان می دارد: " معاملات اوراق بهادار، طی یک جلسه معاملاتی در روزهای شنبه تا چهارشنبه هر هفته به استثنای ایام تعطیل رسمی از ساعت ۹ صبح تا ۱۲:۳۰ انجام می شود. تمامی روزهایی که جلسه معاملاتی در آن برگزار می شود، روز کاری محسوب می گردند."

با توجه به ساز و کار معاملات اوراق بهادار در بورس، عبارت "تایید ننماید" که ماده سی آمده است به مفهوم ابطال معاملات می باشد. نهاد تصویب کننده این دستورالعمل "هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار" می باشد.

قسمت اخیر ماده ۳۰ قانون مدنی صراحتاً بیان می کند تنها قانون می تواند بر خلاف اراده صاحب مال که معامله ای با رعایت شرایط اساسی صحت معامله به انجام رسانده است را ابطال کند. دادن این اختیار به مدیرعامل بورس برخلاف نظر قانون گذار و ظاهر این ماده قانونی می باشد. ذیلاً به



بررسی بندهای فوق الذکر پرداخته می شود؛ ذیلا به شرایط مذکور در ماده سی جهت عدم تأیید معاملات پرداخته می شود؛

الف) بند یک

«براساس تقاضای کارگزار به دلیل وقوع آن دسته از اشتباهاتی که طبق مقررات مصوب هیأت مدیره سازمان احصاء می شود؛» اشتباه به طور کلی تصور غلطی است که آدمی از چیزی دارد؛ و در مبحث معاملات عبارتست از تصور نادرست معامله کننده درباره یکی از ارکان یا عناصر عقد. اشتباه و تأثیر آن در عقد همیشه یکسان نیست. گاهی اشتباه به اندازه ای مهم است که اراده یا توافق اراده را نابود و معامله را باطل می کند. گاهی اشتباه زمینه ای برای خیار فسخ است و گاهی نیز اشتباه هیچگونه تاثیری در معامله ندارد (صفایی، ۱۳۹۸: ۹۸) ماده بیست و یک از آیین نامه معاملات در شرکت بورس اوراق بهادار تهران بیان می دارد که پذیرش اشتباهات سهوی کارگزاران در مورد معاملات تا حدی مجاز است که در دستورالعمل "توقف معاملات" تعیین شده است. که البته هیچ حدود خاصی مشاهده نشد و صرف تقاضای یک کارگزار به عنوان نماینده مشتری مبنی بر وقوع اشتباه و به تبع آن ابطال معامله ای که شرایط اساسی صحت معامله را داشته است با هیچ اصول حقوقی و قانونی مطابقت ندارد و صراحتاً مخالف اصل لزوم و اصل الزام آور بودن قراردادهای می باشد.

ب) بند دو

«خطای معاملاتی متأثر از اشکال سامانه معاملات؛» شاید این بند تنها بندی باشد که بتوان گفت دارای شرایط حقوقی مقبول می باشد. اشکال در سامانه معاملاتی قصد و رضای طرفین را دچار اشکال می کند، لذا یکی از شرایط اساسی برای صحت معامله با مشکل مواجه می شود و قابلیت ابطال معامله به وجود می آید. اما اختیاری که به بورس در خصوص قضاوت در این مورد اعطا شده است صحیح نمی باشد.

ج) بند سه

«مازاد سهام یا حق تقدم سهام فروخته شده بیش از مقداری که مشمول تعریف معاملات عمده می گردد، از یک کد معاملاتی و طی یک جلسه معاملاتی. معامله عمده معامله ای است که تعداد سهام یا حق تقدم قابل معامله در آن در شرکت هایی که سهام پایه آنها بیش از سه میلیارد عدد است، بزرگتر یا مساوی یک درصد سهام پایه و در شرکت هایی که سهام پایه آنها کمتر یا مساوی سه میلیارد عدد است، بزرگتر یا مساوی ۵ درصد باشد.» در این حالت شرایط اساسی برای صحت



معامله به درستی انجام شده است و فقط یک بند از دستورالعمل مصوب هیات مدیره سازمان بورس رعایت نشده است که قاعدتا در جایگاه قانون قرار نمی گیرد. شخص سهامدار که اقدام به فروش مازاد از مقدار تعیین شده نموده است مرتکب تخلف از این بند دستورالعمل شده است و به واسطه تخلف یک شخص از یک بند دستورالعمل که خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز نمی باشد نمی توان اقدام به ابطال یک معامله صحیح و نافذ توسط یک شخصیت غیر قضایی نمود. بر طبق قاعده هر شخص مسئول رفتار خویش است و نباید به علت فعل یا ترک فعل دیگران مسئول به شمار آید (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۶۷) و ابطال معامله قسمتی از مسئولیت تخلف فروشنده را بر عهده خریدار قرار می دهد. خریدار اصولاً از فروش بیش از محدودیتهای گفته شده توسط فروشنده خبر ندارد. ضمن اینکه اعمال این بند مخالف اصل صحت نیز می باشد.

(د) بند چهار

«تمام معاملات یا صرفاً معاملات بیش از سهمیه، در صورت عدم رعایت سهمیه اعلام شده برای خرید یا فروش اوراق بهادار؛» این بند بسیار سختگیرانه تر از بند سوم می باشد. زیرا در قسمت اول این بند اشاره به واژه "تمام معاملات" کرده است. یعنی به مدیرعامل بورس این اجازه را داده است حتی آن قسمت از معاملات هم که بر خلاف دستورالعمل و مقررات نبوده است و کاملاً به صورت صحیح انجام شده است را نیز ابطال کند. اختیاری که حتی مراجع قضایی نیز از آن برخوردار نیستند.

(ه) بند چهار مکرر

«تمام یا بخشی از معاملات که در آنها اصل انصاف رعایت نشده باشد.» قانون به محاکم اجازه نداده است بر مبنای نظر خود و بر مبنای امور مبهم و کلی مانند استناد به عدالت و انصاف، مفاد یک قرارداد را تغییر دهند و تعدیل نمایند. چنین امری مخالف اصل الزام آور بودن عقود و لزوم احترام به مفاد قرارداد است و در حقوق ما ممنوع است (توکلی، ۱۴۰۰: ۳۶۵).

البته در مواد دیگری از دستورالعمل نیز به عدم تایید معاملات اشاره شده است (مواد ۱۱۵، ۱۱۳، ۱۱۲ و...).



۶- دخالت یا نظارت

ورود ناظر به فعالیتهای اجرایی و دخالت در کار مجری درست نیست؛ زیرا دخالت هر یک از ناظر و مجری در کار یکدیگر به مثابه نقض قواعد بازی است. درست است که ناظر و مجری هر دو فعال هستند؛ اما نوع بازی و فعالیت آنها، در اساس متفاوت است. مجری، بازی نوع اول را انجام می دهد که ارتباط مستقیمی با امور دارد و داخل زمین و میدان فعالیتهای صورت می گیرد؛ ناظر، اما، بازی نوع دوم را انجام می دهد که با میدان عمل ارتباط مستقیم ندارد، و تنها بر بازی نوع اول نظارت می کند که توسط مجری انجام می شود. در نتیجه، دخالت هر یک از این دو در کار دیگری تخطی از قواعد بازی قلمداد می شود (منصورنژاد، ۱۳۸۳: ۲۳). از این رو، نخست باید امری توسط مجری انجام شود، آنگاه برای حصول اطمینان از صحت آن، سازوکار نظارت برقرار شود و اگر ناظر حتی به طور مقطعی به مداخله در فرایند اجرا اقدام نماید، در واقع به نقض غرض از تعبیه سازوکار نظارت کمک کرده و باعث فروپاشی فرایند اجرا و نظارت خواهد شد (طالبی، ۱۳۸۹: ۲۱)

بند سه از ماده هفت قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف هیات مدیره سازمان بورس اوراق بهادار را نظارت بر حسن اجرای این قانون و مقررات مربوط می داند. بی شک اگر قانونگذار قائل به دخالت هیات مدیره سازمان بورس و سایر ارکان بازار سرمایه در معاملات سهامداران می بود مانند ماده چهارده^۱ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب سال ۱۳۵۱) صراحتاً مجوز دخالت در معاملات را صادر می کرد. نظارت باید پس از وقوع چیزی اعمال شود و مقام ناظر از مداخله در اجرا و جایگزین ساختن خود به جای مجری برحذر باشد (شفیعی سردشت و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶). نظارت باید به گونه ای انجام شود که به دخالت در اعمال صلاحیتهای نظارت شونده نینجامد و استقلال وی را مخدوش نسازد (poyet, 2001: 8) سوالی که به وجود می آید این است که آیا با توجه به ظرفیت و اختیاری که دستورالعمل در اختیار بورس قرار داده است بهتر نیست زمانی که متوجه تخلف می شوند اقدام به اصلاح آن کنند؟ در پاسخ باید گفت اولاً قانونگذار مجوز کنترل معاملات را برای بورس صادر نکرده است. دوماً اعتماد در هر بازاری یکی از اصلی ترین ارکان آن بازار می باشد. ابطال معامله ای که قاعدتاً حداقل دو شخص خریدار و فروشنده در آن حضور دارند و مطابق قوانین بالادستی مانند قانون مدنی، شرایط اساسی صحت معامله بر آن حکمفرمایی می کند، به واسطه تخلف از یک مقرر غیره آمره که برخلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی نیز نمی باشد، اعتماد فعالین بازار را تحت شعاع قرار می دهد. سوماً با توجه به قوانین و

^۱ بانک مرکزی ایران در حسن اجرای نظام پولی کشور می تواند به شرح زیر در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند.



مقررات موجود خریدار قبل از انجام معامله وجه مورد نیاز برای انجام معامله را به شرکت کارگزاری که در زنجیره اجرای معاملات به واسطه اخذ مجوزهای لازم از سازمان بورس و اوراق بهادار حضور دارد، پرداخت کرده است. ابطال معامله به واسطه تخلف فروشنده باعث تضییع حقوق خریدار می شود و چه بسا منافع آتی مدنظر خریدار که حاصل از یک معامله قانونی می باشد را تحت تاثیر قرار می دهد و در این بازار مالی هزینه فرصت را برای خریدار افزایش دهد. سازمان بورس و اوراق بهادار می تواند در صورت انجام تخلفاتی از این قبیل فرد متخلف را با تنبیهات انضباطی متنبه کند و یا با توجه به ابزارهای نرم افزاری قابل اعمال در سامانه های معاملاتی از اساس امکان انجام معاملات اینچنینی را محدود کند.

۷- معاملات اوراق بهادار منجز است یا معلق؟

مطابق ماده ۱۸۹ قانون مدنی «عقد منجز آن است که تاثیر آن بر حسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد والا معلق خواهد بود». پس در عقد معلق، طرفین در عین حال که اراده خود را به طور منجز بیان می دارند، اثر آن را موقوف به امر دیگری می کنند تا پس از وقوع شرط تحقق پیدا کند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۳۷). در عقد منجز اثر عقد، موقوف به امر دیگری نیست، بلکه به محض وقوع انشاء، آثار عقد بر آن مترتب خواهد شد؛ چنانکه کسی مالی را به دیگری بفروشد، بدون اینکه تملیک مال را منوط به پدیده دیگری نماید (صفایی، ۱۳۹۸: ۳۳). بین انعقاد عقد معلق تا حصول آثار عقد، مدتی فاصله واقع می شود و حصول اثر اصلی عقد منوط به وقوع شرطی شده است (توکلی، ۱۴۰۰: ۲۷۶). آنچه که وقوع اثر عقد معلق (تعلیق در منشا^۱) بدان منوط شده، معلق علیه یا شرط تعلیقی نام دارد. معلق علیه نباید به طور مطلق به اراده متعدّد وابسته باشد، چون در این صورت با شرط مجهولی مواجهیم که موجب جهل عوضین است. واگذاری تکلیف قرارداد به اراده متعدّد موجب غرری شدن عقد است. در یک عقد می توان انحلال قرارداد را منوط به امری کرد، که به این امر «شرط فاسخ معلق» می گویند؛ به این نحو که طرفین در عقد پیش بینی می کنند که اگر حادثه ای رخ دهد، عقد خود به خود منحل شود. چنین شرطی صحیح است. در این خصوص باید توجه داشت که شرط فاسخ در واقع اقاله معلق است، زیرا اقاله، انحلال عقد با تراضی طرفین است و در شرط فاسخ نیز طرفین عقد با تراضی شرط مزبور را درج می کنند تا هر زمان که رخ دهد، عقد منحل شود و بنابراین در متن عقد نوعی اقاله معلق آن عقد را نیز درج می کنند. اگر معلق علیه حاصل شود، اقاله معلق ایشان، کارساز و موثر می شود و موجب انحلال عقد می شود. در

^۱ تعلیق در منشا به این معنا است که عقد منعقد می شود، اما آثار آن منوط به واقعه ای خارجی می شود.



خصوص تعلیق در بطلان عقد باید توجه داشت که آثار عقد از روز ابتدا منتفی و زائل می شود اما در تعلیق در انحلال، عقد از زمان حصول معلق علیه زائل می شود؛ صحت و بطلان عقد از قواعد آمره قانونی است و نمی توان بر خلاف آن توافق کرد، از همین رو شرط تعلیق در بطلان یک شرط باطل است (توکلی، ۱۴۰۰: ۲۷۶-۲۸۱) در معاملات اوراق بهادار در یک جلسه معاملاتی^۱ زمانی که معامله انجام می شود، خریدار مالک اوراق بهادار می شود و در همان جلسه معاملاتی می تواند نسبت به فروش اوراق بهادار خریداری شده اقدام کند. آیا می توان به واسطه ماده بیست و نه^۲ دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران عقود منعقد شده در بورس را معلق در نظر گرفت؟ پاسخ منفی می باشد، زیرا اراده هیچیک از طرفین قرارداد در منضم کردن این شرط به قرارداد وجود ندارد. ضمن اینکه در صورت فروش مجدد اوراق بهادار در همان روز و عدم تایید معامله اول توسط بورس عملاً این عدم تایید باعث بطلان معامله شده است که با توجه به وجود شرایط اساسی صحت معامله شرط تعلیق در بطلان یک شرط باطل است. ولی عملاً در رویه اجرایی بورس، معاملات اوراق بهادار از عقود معلق در نظر گرفته شده است و معلق علیه تایید بورس می باشد؛ که این موضوع اساساً تضییع حقوق سهامداران و فعالان بازار سرمایه می باشد.

حقوق و مطالعات نوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ معاملات اوراق بهادار، طی یک جلسه معاملاتی در روزهای شنبه تا چهارشنبه هر هفته به استثنای ایام تعطیل رسمی از ساعت ۹ صبح تا ۱۲:۳۰ انجام می شود. تمامی روزهایی که جلسه معاملاتی در آن برگزار می شود، روز کاری محسوب می گردند.

^۲ تمامی معاملات اوراق بهادار در بورس، در صورتی قطعیت می یابد که به تأیید بورس برسد.



نتیجه گیری

ابطال معاملات و قراردادهای در حالیکه شرایط اساسی صحت معامله در آن رعایت شده است مطابق قانون و در اختیار مقامات قضایی می باشد. به عنوان نمونه می توان به ماده ۱۳۱ قانون تجارت و مقررات مربوط به قرارداد نجات دریایی اشاره کرد. ابطال معاملات چون بر خلاف اصل آزادی قراردادهای و اصل لزوم قراردادی و همچنین برخلاف عرف و نظم عمومی می باشد، قانونگذار به حکم قانون این موضوع را در اختیار مقامات قضایی قرار می دهد. دستورالعمل های مصوب هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار از جمله "دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران" در حکم قانون نمی باشند و اعطاء اختیار به بورس در جهت عدم تایید معاملات که می توان از ابطال معاملات اوراق بهادار از آن نام برد، امری خارج از عرف و بر خلاف قواعد عمومی حقوقی می باشد. ضمن اینکه عملاً بورس مسئولیت عمل طرف خاطی را بر عهده طرفین معامله قرار می دهد. طرف دیگر معامله و یا شخص ثالث که هیچگونه نقشی در تخلف طرف خاطی نداشته است در این خصوص متضرر می شود. لذا می بایست همانند مواد ۱۹۸ قانون تجارت و ۲۷۰ ل.ا.ق.ت به گونه ای عمل شود که آسیبی به شخص ثالث وارد نشود. معلق کردن معاملات اوراق بهادار به تایید بورس نیز از نظر حقوقی درست نمی باشد. زیرا اولاً طرفین این شرط تعلیقی را قرار نداده اند. دوماً صحت و بطلان عقد از قواعد آمره قانونی است و نمی توان بر خلاف آن توافق کرد، از همین رو شرط تعلیق در بطلان یک شرط باطل است.

با توجه به امکانات و زیر ساختهای نرم افزاری، بورس می تواند انجام بعضی از معاملات را که بر خلاف مصوبات سازمان بورس اوراق بهادار می باشد، برای شخصی که امکان تخلف را دارد، محدود نماید. یا در صورت بروز تخلف اقدامات انضباطی را در خصوص خاطی به اجرا گذارد. حکم به ابطال معاملاتی که شرایط اساسی صحت معاملات را دارند توسط یک شخص فاقد صلاحیت قانونی برخلاف قواعد عمومی می باشد.



منابع

- ۱- ابوعطا، محمد، (۱۳۹۴)، «ابطال یا تغییر قضایی قرارداد نجات دریایی»، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۵، صص ۵۲۵-۵۴۱.
- ۲- اسکینی، ربیعا، (۱۳۹۴)، حقوق تجارت، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- امین زاده، سیدمحمد و مجید رضایی دوانی، (۱۳۹۸)، «حقوق شهروندی سرمایه گذاران در معاملات اوراق بهادار»، دوفصلنامه علمی تحقیقات مالی اسلامی، ۱۶، صص ۲۷۷-۳۰۶.
- ۴- انصاری پور، محمدعلی و مجید سوهانی، (۱۳۹۹)، «مفهوم قراردادهای قابل ابطال در حقوق انگلیس، فرانسه، ایران و فقه»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲، صص ۴۱-۶۶.
- ۵- انصاری، علی، صفدری، مرضیه، (۱۳۹۱)، «ضمانت اجرای حقوقی معاملات در بازار سرمایه»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۶، صص ۱۹۹-۲۲۷.
- ۶- باغستانی میبدی، مسعود، میری، اشرف السادات، صمدی بروجنی، رضا، (۱۳۹۴)، «لزوم دخالت دولت در مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای مالی»، مجله اقتصادی، ۷ و ۸، صص ۴۳-۵۸.
- ۷- تقی پور، بهرام، صالحی، نرجس، (۱۳۹۹)، «حق حبس در اوراق بهادار»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۴، صص ۱۷۹-۲۰۰.
- ۸- توکلی، محمدمهدی، (۱۴۰۰)، آموزش جامع حقوق مدنی، جلد یک، تهران: نشر مکتوب آخر.
- ۹- رباطی، مهسا، محسنی، سعید، قبولی درافشان، سید محمدمهدی، (۱۳۹۶)، «عدم قابلیت استناد بطلان در شرکت های تجاری»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۹، صص ۱۱۷-۱۴۰.
- ۱۰- زرشگی، محمد، (۱۳۹۵)، «مفهوم صلاحیت ویژه قانونگذار»، کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی.
- ۱۱- شفیعی سردشت، علی اکبر گرجی ازندریانی و جواد فاضلی نژاد، (۱۳۹۷)، «کژتابی مفهومی نظارت در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه حقوق اداری، ۱۶، صص ۶۳-۸۸.
- ۱۲- شهیدی، سیدمهدی، (۱۳۷۹)، اصول قراردادهای و تعهدات، تهران: عصر حقوق.



۱۳- صابر، محمدرضا، میرزایی منفرد، غلامعلی، (۱۳۹۹)، اختلافات بورسی، تهران: انتشارات دادگستر.

۱۴- صفایی، سیدحسین، (۱۳۹۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، تهران: نشر میزان.

۱۵- صفایی، سیدحسین، (۱۳۹۸)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، تهران: نشر میزان.

۱۶- صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات سمت.

۱۷- طالب احمدی، حبیب، (۱۳۸۳)، «معاملات قابل ابطال در حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، صص ۱۴۵-۱۶۲.

۱۸- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۵)، اعمال حقوقی قرارداد-ایقاع، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۹- نجفی اسفاد، مرتضی، (۱۳۹۸)، حقوق دریایی، تهران: انتشارات سمت.

20- Atiyah, P.S, (1969), An Introduction to the Law of Contract, Oxford, the Clarendon Press.

21- Barth, J.; Caprio, G.& R. Levine (2006), Rethinking Bank Regulation: till Angels Govern, Cambridge University Press.

22- Bastian, Daniel (1929), Essai d'une theorie generale de linoppsabilite, Paris, Recueil Sirey.

23- Baughen, Simon, (2001), shipping law, 2 ed, London : Cavendish Publishing Limited.

24- Beatson, J., Burrows, A. and Cartwright, J., (2010), Anson's Law of Contract, Oxford, Oxford University Press, 29th edition.

25- Bigwood, Rick (2003), Exploitative Contracts, First Edition, New york; Oxford University Press.

26- Black, Henri Campbell, (2004), Blacks Law Dictionary, West Publishing Co.

27- Chitty, J. (General Editor H.G. Beale), (2004), Chitty on Contract, London, Sweet & Maxwell, 29th edition.



- 28- Coase, Ronald H. (1960), "The Problem of Social Cost", The Journal of Law and Economics, Vol. 3, PP. 1-44.
- 29- Ferran, Eilis (2002), Institutional Design for Financial Market Supervision: The Choice.
- 30- Gaillard, Emmanuel (1985), Le pouvoir en droit prive, Paris: GEBYAI.
- 31- Mathis, Kalus (2009), Efficiency Instead of Justice, First Edition, Lucerne: Springer.
- 32- Morgan, Donald (2002), "Rating Banks: Risk and Uncertainty in an Opaque Industry", American Economic Review, Vol. 92, PP. 874-888.
- 33- Nicholas, B., (1992), The French Law of Contract, Oxford, Clarendon Press, 2nd edition.
- 34- Poyet, Michael (2001); Le contrôle de l'entreprise publique: Essai sur le cas français, th.De doctorat, Univ. Jean Monnet.
- 35- Schmiedel, Heiko, (2004), Performance of international securities markets, Bank of Finland Studies.
- 36- Stigler, George J. (1971), "The Theory of Economic Regulation", The Bell Journal of Economics and Management Science, Vol. 2, No. 1, PP. 3-21.
- 37- Treitel, G.H, (1991), The Law of Contract, London, Sweet & Maxwell, 8th edition.
- 38- Treitel, G.H, (2004), An Outline of the Law of Contract, Oxford, Oxford University Press, 6th edition.
- 39- Walker, D.M., (1980), The Oxford Companion to Law, Oxford, Clarendon Press.



Limits of stock exchange authority in canceling transactions

Reza Ahmadi Torkamani¹

Abstract

The Securities and Exchange Organization is the institution that oversees the proper implementation of the Securities Market Law of the Islamic Republic of Iran, and the task of preparing and compiling the executive instructions of this law is also the responsibility of that organization. By developing some guidelines, the organization has granted powers to the stock exchange, which are basically given by the legislative body to judicial or quasi-judicial authorities. According to Article 30 of the Civil Code, transactions that meet the basic conditions of validity of the transaction according to Article 190 of the Civil Code, and the parties to the transaction have not considered a suspensive condition for their transactions, are legally correct and effective. Violation of non-mandatory rules by one of the transaction parties is not a valid reason for canceling the transaction by the exchange and violating the rights of other transaction parties and third parties. The stock exchange can prevent this type of transactions by using software infrastructures and creating restrictions, or deal with the wrong person with disciplinary behavior. Giving the authority to cancel correct transactions to the stock market as a non-judicial authority is against the general rules and legal custom.

keywords: cancellation of stock market transactions, capital market, approval of stock market transactions, securities transactions.

¹ Senior Expert in Industrial Management, Department of Management Education, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran. (Corresponding Author)
rezaahmadi.t@gmail.com

